

تبیین مدیریت دانش از دیدگاه اسلام

پیمان اخوان *

سید پیمان خادم الحسینی **

دریافت مقاله: ۹۲/۳/۱

پذیرش نهایی: ۹۲/۱۰/۲۸

چکیده

مدیریت دانش از عوامل موفقیت بسیاری از سازمانهای پیشرو در جهان امروز است. در زمینه مدیریت دانش اسلامی و از منظر اهل سنت آثاری هست که در آنها منابع مورد استناد، معدودی از آیات قرآن و یکی دو نقل قول از رسول اکرم (ص) بوده است. نبودن پژوهشی مستقل از دیدگاه شیعه با توجه به وجود آیات و احادیث بیشتر و کاربردیتز مروی از سایر معصومین (ع)، اصل امامت ولیعصر (عج) و اجتهاد، انگیزه‌ای برای رفع شکاف موجود شد. هدف این پژوهش فراهم آمدن زمینه‌ای برای بهره‌مندی مدیریت دانش و مدیریت دانش اسلامی - شیعی از یکدیگر است. روش این تحقیق، کیفی با رویکرد پژوهش فرایند چرخه‌ای تحلیل است. نتایج کلی از مطالعات حاکی از همخوانی مدیریت دانش با مفاهیم و اصول اسلام است تا حدی که می‌توان مفاهیم و پایه‌های مدیریت دانش را با استناد به قرآن، سنت و سیره معصومین (ع) و سایر منابع دانش اسلامی بازشناسایی و تعریف کرده و گسترش و توسعه داد و در راستای مدیریت دانش اسلامی مورد استفاده قرار داد. در همین راستا الگوی ترکیبی مدیریت دانش اسلامی - شیعی عرضه شد. چنین مطالعه‌ای نخستین بار به بررسی تطبیقی مدیریت دانش و مدیریت دانش اسلامی بر پایه احادیث و تبیین رابطه قرآن و علم بویژه دانش روز از دیدگاه منابع شیعی می‌پردازد. این پژوهش به عنوان کاری نو در زمینه مدیریت دانش با کاربردهای متعددی که در زمینه‌های مختلف مذهب شیعی نظیر آموزش، تبلیغ، دعوت اسلامی و... می‌تواند داشته باشد به دانش افزایی در زمینه های یاد شده منجر می‌شود.

کلید واژه‌ها: مدیریت دانش، مدیریت دانش اسلامی، مدیریت دانش اسلامی - شیعی، مدل ترکیبی مدیریت دانش اسلامی - شیعی.

* peyman_akv@yahoo.com

** دانشیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر

** نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت سیستم و بهره‌وری دانشگاه علم و صنعت

seyedpeymankhademalhosseini@yahoo.com

مقدمه

اسلام، کاملترین و بزرگترین معرفتی را دارد و پویایی جوامع اسلامی و تحقق هدف غایی از آفرینش، دستیابی به مقام خلافت الهی در گروهی ساختار دانش بنیان و خدا محور آن قطعی و مسلم است؛ اما اثبات این مدعا برای دگراندیشانی که در پی ساختاری برای رسیدن به حقیقت هستند، نیازمند دلائل و برهانهای محکم و مستدل است. حفظ توانایی دین در اداره جوامع بشری در سایه گسترش علوم به همراه پاسخگویی مناسب به نیازهای مردم نیز اهمیت خاص دارد. ابزاری مناسب برای تحقق این معنا بهره‌گیری از مدیریت دانش^۱ است و آن، نوع و روشی اسلامی هم دارد که تعامل آنها می‌تواند به همراه التزام و تعهد عملی و کاربردی به اصول دانش اسلامی، موجب گسترش تمدن و باورهای آن نظیر عدل، رفاہ و استمرار بندگی الله در جهان باشد؛ این فرایند در تفکر شیعی به رهبری ولی عصر (عج) ادامه دارد.

همان‌گونه که نفس علم‌اندوزی در اسلام اهمیت بسیار دارد، علاوه بر فتح نظامی، تولید و نشر علوم مختلف بشری نظیر کیمیا توسط مسلمانان و روابط اجتماعی و مبادلات فرهنگی و اقتصادی در طول تاریخ از علل و اسباب ایجاد روابط با دیگر ملت‌ها و دین‌ها بوده است. امروزه با توسعه ابزارهای ارتباطی و با وجود سرمایه‌گذارها و تلاشها در زمینه رسانه و اطلاع‌رسانی از طریق اینترنت، ماهواره، کتابها و ... و جوسازی علیه دین، بحث عرضه اسلام و دفاع از ارزشها و اصول اعتقادی و اخلاقی مبتنی بر آن، دشواری ویژه‌ای دارد. آنچه شاید بتواند در این راستا در کارایی دین مؤثر باشد، رویکرد علمی و روش اسلام و قرآن در عرضه دانش و مدیریت آن خواهد بود. از سوی دیگر دانش ابزار اصلی رقابت‌پذیری سازمانها و جوامع در دنیای امروز نیز هست و مدیریت دانش به عنوان مجموعه عواملی است که به سازماندهی بر مبنای شناخت، مشخص کردن، ذخیره و بهره‌برداری از دانش به نحو مقتضی می‌پردازد (اخوان و جودی، ۱۳۹۱)، می‌توان نقش آن را به وضوح در ساختار و عملکرد بسیاری از مجموعه‌های موفق مشاهده کرد. دستیابی به دستاوردهای مدیریت دانش می‌تواند در سایه باز شناخت اسلام، کشف روشهای مدیریت دانش در اسلام یا به کارگیری مدیریت دانش برای اسلام، هدف پژوهش قرارگیرد. در این راستا، جستجو در منابع مختلفی به عمل آمد. در مقاله "روش پژوهش فرایند چرخه‌ای تحلیل، روشی برای گردآوری،

1 - Knowledge Management (KM)

تحلیل و استنتاج از داده‌های کیفی پر بعد در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی "الگوی کارکردی از توسعه دانش مدیریت اسلامی عرضه شده است. مقاله "مفهوم سازی اسلامی مدیریت دانش" مستقیماً و مقاله "مفهوم آموزش در اسلام" غیرمستقیم به موضوع پرداخته‌اند. مقاله دیگر، "مدیریت دانش و دعوت اسلامی و کارافرینی" نیز مرتبط دیده شد. در این مقالات این فرضها تأیید شد که جامعه اسلامی جامعه‌ای دانش‌نویان است و بین مفاهیم مدیریت دانش و مفاهیم اسلامی ارتباط وجود دارد و می‌توان بر اساس مدیریت دانش، الگوی برای مدیریت دانش اسلامی^۱ عرضه کرد. سه اثر اخیر از دیدگاه اهل سنت نوشته شده است و از دیدگاه شیعی مطلبی مشاهده نشد؛ هم‌چنین نواقص مقالات یادشده یکی تأیید موارد فوق بر مبنای منابع محدود و ناکافی تنها بر مبنای تعدادی از آیات و حدیثی از پیامبر(ص) و دیگری این است که منابع فراوانی از احادیث معصومین در تبیین آیات مغفول مانده‌اند؛ به ویژگیهای دانش مورد نظر در اسلام، تقسیم‌بندی دانشها، ارتباط منابع اسلامی با دانشهای روز و.... کمتر یا اصلاً پرداخته نشده است که با استفاده از منابع شیعی به نحوی مؤثرتر می‌توان این موضوعات را بیان کرد. بدیهی است همان‌گونه که استفاده از مدیریت دانش اسلامی می‌تواند تمام ارزشها و ابزارهای منبع وحی، سنت و سیره بزرگان شیعه را شناسایی کند و قدرت و توان رقابتی اسلام عزیز را در جهان معاصر بیش از پیش نمایان و کاربردی سازد، بی‌توجهی به جنبه‌ها و توان اسلام راستین در مقابله و تعامل با توان و هجمه روزافزون مخالفان می‌تواند آسیبی جدی به تحقق اهداف متعالی آن وارد سازد؛ لذا در این پژوهش ضمن توسعه و تأیید کاملتر فرضیات یاد شده به این سؤال پاسخ داده می‌شود که مدیریت دانش اسلامی از دیدگاه تفکر شیعی یا مدیریت دانش اسلامی - شیعی^۲ چیست و چه ویژگیهایی دارد.

مرور ادبیات و پیشینه تحقیق

مفهوم مدیریت دانش

گرچه این رشته، جدید به نظر می‌رسد، مدیریت دانش در مفهوم اصلی خود سابقه‌ای به اندازه شناخت، یادگیری و یاددهی در انسانها و جوامع بشری دارد. به‌طور کلی مدیریت دانش را می‌توان

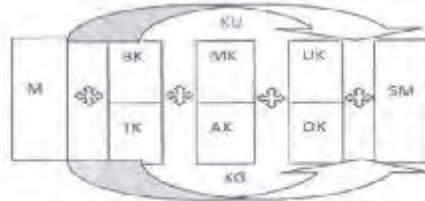
1 - Islamic Knowledge Management (IKM)

2 - Shia Islamic Knowledge Management (SIKM)

مفهومی برای توصیف فرایندهایی دانست که از طریق آن سازمانها به توسعه، سازماندهی و تسهیم دانش با هدف خلق ارزش و دستیابی به مزیت رقابتی می پردازند (مک ادام و مک کریدی، ۱۹۹۹). مدیریت دانش به عنوان ابزار مدیریتی، مسئول اجرا و ارزیابی هدفمند دانش است که در نهایت به توسعه سازمان با استفاده از دانش داخلی و خارجی برای افزایش کارایی لازم منجر می شود. به منظور اجرای استراتژیهای دانشی، مدیریت دانش تمامی ظرفیتهای انسانی، سازمانی و فناوری مناسب برای بهینه نمودن رقابت و ارتقای استعداد جمعی در سطح سازمان را به کار می گیرد (اخوان و جودی، ۱۳۹۱: ۱۸). فعالیتهای مدیریت دانش در چهار فعالیت کسب دانش (یادگیری، خلق، و شناسایی)، تجزیه و تحلیل دانش (ارزیابی و اعتبارسنجی)، حفظ دانش (سازماندهی، نمایش و نگهداری) و استفاده از دانش (کاربرد، انتقال و تقسیم) دسته بندی می شود (واتسن، ۲۰۰۳: ۳ به نقل از اخوان و جودی، ۱۳۹۱). تعریفی مفید در بحث مدیریت دانش، می تواند این تعریف باشد: «سامانه ای منظم برای کمک به نشر دانش فردی و سازمانی در مدیریت مجموعه ای که به دنبال رسیدن به اهداف خود از طریق دریافت اطلاعات درست در زمان مناسب و از مجاری صحیح آنهاست؛ به این معنا که مدیریت دانش عبارت است از راههایی برای ایجاد، نوآوری و ذخیره دانش سازمانی، انتقال آن به کارکنان و مشارکت آنها در این فرایند. هدف از این فرایند بهره برداری از دانش سازمانی با کفایت و توانایی همراه با به کارگیری امکانات و تجهیزات جدید و فناوری اطلاعات تا حداکثر ممکن برای انجام کارها و وظایف ایشان است» (نعیم ابراهیم الظاهر، ۲۰۰۸).

الگوی کارکردی مدیریت دانش^۱

الگوی کارکردی مدیریت دانش را برای مدیریت دانش بشری می توان مطابق با شکل ۱ در نظر گرفت:



M(Man)	انسان	UK(Users of Knowledge)	کاربران دانش
BK(Body Knowledge)	پیکره دانش	OK(Output of Knowledge)	بازده دانش
TK(Type of Knowledge)	نوع دانش	KG(Knowledge Growth)	رشد دانش
MK(Methodology of Knowledge)	روش شناسی دانش	KU(Knowledge Understanding)	درک دانش
AK(Application of Knowledge)	کاربرد دانش	SM(Successful Manager)	مدیر موفق

شکل ۱ - الگوی کارکردی مدیریت دانش (محمد بکر^۱، ۲۰۱۱)

این شکل کارکرد عملیاتی مدیریت دانش را در کمک به کاربران آن به منظور دستیابی به اهداف توسعه‌ای و موفقیت در فعالیتهایشان نشان می‌دهد. واقعیت پیکره دانش در اینجا مجموعه‌ای از واژگان و اصطلاحات و اطلاعات متنی خلاصه و بدون متن نیست. هر یک از عناصر، که زیرفرایند عملیات مدیریت دانش را عرضه می‌کند به شکل یک فلش چهار سویه نمایش داده شده که نمایانگر مبادله دانش میان دو یا چند فرد است؛ حالتی که افراد به هم نزدیک می‌شوند و موفقیت‌های خود را در به کارگیری دانش و کاربردهای عملی و موفق آن بیان می‌کنند. مدیریت دانش می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای ذخیره، بازیابی، گسترش و مدیریت اطلاعات مربوط به نیازهای کاربر مورد استفاده قرار گیرد (نوناکا و تاکوچی، ۱۹۹۵). تلاش برای به‌دست آوردن دانش بیشتر بویژه از نظر پیکره دانش و نوع دانش را اولین عامل اصلی موفقیت سازمان می‌دانند. دومین مورد را هم توانایی سازمان در تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح برمی‌شمرند (آجی و چین سن^۲، ۲۰۱۳). در فعالیتهای مدیریتی، مقداری که دانش توسط کاربران دانش قابل استفاده و دارای کاربرد است، بازده دانش نام دارد. مطابق با این الگو، هرگونه موفقیتی در هر عملکرد انسان (یا مدیر موفق)، بازدهی از درک دانش و رشد دانش اوست. هرچند به‌عنوان یک انسان، او ممکن

1 - Muhamadulbakir

2 - Ajay & Jeppensen

است تحت تأثیر وضعیتی خاص و یا محدودیت به دستکاری پیکره دانش و یا روش‌شناسی دانش و یا تغییر کاربران دانش برای دستیابی به موفقیت مجبور شود (محمد بکر، ۲۰۱۱).

مفهوم سازی اسلامی مدیریت دانش

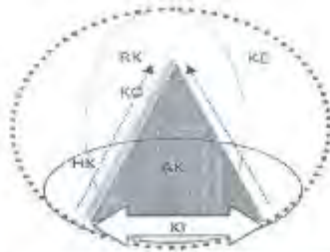
در شکل ۲ می‌توان دیدگاه اسلامی را نسبت به مفاهیم و روابط بین اقسام دانش تشریح کرد. این تقسیم‌بندی به نوعی تقسیم‌بندی معرفت‌شناختی دانش است. شکل نشان‌دهنده تصور کلی نسبت به دانش و معرفت است. هر دانشی از دانشها پدیدآورنده و حاملی دارد و گوناگونی دانش و معرفت به شکلهای ذیل، محصول احوال و اسباب آنهاست:

دانشهای محصول مشاهده مستقیم [دانش تجربی به‌زعم هرون و ریزون به نقل از جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۵]؛ آنهايي که از جانب پروردگار اعطا می‌شوند و به قلب مؤمن نزول می‌کنند؛ آن دانشهایی که از طریق وحی به دست آمده و اطلاعات ثابتی هستند [مثل محکّمات قرآن] و دانشهای ضمنی که از راه استقرا و استنتاج حاصل می‌شود و جز افراد نخبه قادر به درک آنها نیستند [مثل اجتهاد در شیعه و استصحاب و قیاس در اهل سنت].



شکل ۲ - مفهوم سازی مرسوم و رایج در دانش (روابط بین دانش و معرفت در دیدگاه کلی) (محمد بکر، ۲۰۱۱)

در شکل ۳ می‌توان به درک بهتری از مفاهیم اسلامی دانش رسید.



KE(Knowledge Existence)	خدا(منبع دانش)	AK(Acquired Knowledge)	دانش اکتسابی
KG(Knowledge Growth)	رشد دانش	HK(Human Knowledge)	دانش بشری
RK(Revelation Knowledge)	دانش الهامی	KI(Knowledge Investigation)	تحقیق در دانش

شکل ۳ - دیدگاه فراگیر و مفهومی اسلام به دانش و معرفت^۱ (العطاس، ۱۹۸۰)

به باور مسلمانان، دانش از خدا منشأ می‌گیرد و او آن‌را به شیوه‌های مختلف نظیر وحی، ادراک حسی، استدلال، شهود (مشاهده و استنتاج) به انسان منتقل می‌کند. اصل علم، هدیه خدا به بشر از طریق کانالهای متعدد مانند وحی به پیامبران و گوش و چشم و قلب به‌عنوان ابزار کسب معرفت است؛ لذا بر فرد مسلمان است که در راه دانش، فراگیری و آموزش آن به دیگران در راستای شناخت و ادای واجبات تکلیفی دینیش بکوشد اما برای ادای آنها به شناخت و اجتهاد در آن تکالیف و اوامر الهی نیاز دارد. این نوع از مدیریت دانش از درک و مفاهیم اسلامی شکل می‌گیرد که توضیح آن از طریق الگوی کارکردی مدیریت دانش اسلامی ممکن است (العطاس، ۱۹۸۰).

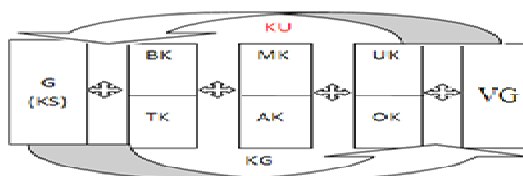
الگوی کارکردی مدیریت دانش اسلامی

در این الگو (محمد بکر، ۲۰۱۱)، که شکل اسلامی شده الگوی مدیریت دانش (شکل ۱) است، دانش قرین با انسانیت در نظر گرفته شده است؛ یعنی انسان وظیفه دارد دانش خود را مطابق با نیازها، ضروریات و تواناییهایش توسعه دهد. این رویکرد، روشی مستقیم در جستجوی منبع دانش (خدا)^۲ G(KS) برگرفته از اجتهاد متخصصان، خبرگان و اجماع سازنده در روشنای تفسیر قرآن است. بازده و خروجی این فرایند باید به اندازه کافی ارزشمند و متقاعدکننده باشد تا جذب

1 - Islamic Conceptualization of knowledge

2 - God (Knowledge Source)

کننده اذهان منطقی و متفکر به گونه‌ای باشد که ارزشهای خود را بشناسند و آنها را قدر نهند و عملاً برای رسیدن به افزایش اثربخشی محصولات و دستاوردهای دانش به کار بندند تا در نهایت جانشین (خلیفه) خدا^۱ VG گردند.



شکل ۴ - الگوی کارکردی مدیریت دانش اسلامی (اثر درک اسلامی از علم و دانش در مدیریت دانش)

نقش مدیریت دانش در توسعه دانش مدیریت اسلامی



زمینه محیطی زیربهد

شکل ۵ - الگوی کارکردی توسعه دانش (ترک زاده، ۱۳۸۸)

شکل ۵ بیان می‌کند که مدیریت دانش در مرکز چرخه توسعه دانش مدیریت اسلامی قرار دارد و نقشهای تشخیص، جهت‌دهی، هماهنگی و پیشبرد امور را ایفا می‌کند (ترک زاده، ۱۳۸۸).

جمع‌بندی اصول کلی مدیریت دانش اسلامی

مفهوم مدیریت دانش اسلامی، تلاش در جهت تحقق دانش از طریق دیدگاه اسلامی است.

1 - Vicegerent of God

کاربران دانش اسلامی دیدگاهی مثبت نسبت به موجودیت دانش، حد و مرزها، دسته بندیها و انواع گوناگون آن دارند. در نتیجه، آنها دانش را به عنوان بخشی از فعالیتهای روزانه و متداول زندگی خود می بینند. دانش مورد تأکید، دانش مؤثر در زندگی بشر است نه حجم انبوهی از داده های خام و اطلاعات غیر مفید. گرچه آیات الهی بتدریج و بسته به موقعیتهای خاص در صدر اسلام نازل شده است تا به حل مطلبی و یا آشکارسازی ناشناخته ای بر پیامبر و امت نو مسلمان پردازد، می توان و باید متناسب با اقتضائات و موقعیتهای محیطی به تدبیر و تأمل در آنها پرداخت و احکام و راه حل های مسائل را در هر زمان از آنها استخراج کرد و به کار بست. این بحث نشان می دهد که تمرکز و تأکید مدیریت دانش اسلامی بر سعادت عملی و مؤثر کاربران بویژه در پاسخ به نیازهای بشری است. انسان بی دقت و فراموشکار است اما از سوی دیگر فطرتاً به خوبی و تکامل میل دارد، بنابراین مدیریت دانش کارآمد و ناکارآمد می تواند او را به سمت موفقیت یا شکست سوق دهد؛ به عبارت دیگر انسان همواره در زندگی خود با موانعی رو به رو است و به این دلیل مستمراً در جستجوی حل مسائل و ارزیابی وضعیت به عنوان رویکردی یکپارچه و به روز کردن تحقیقات علمی و دانش است.

روش شناسی تحقیق و جمع آوری داده ها

روش ابزاری علمی مورد استفاده در این تحقیق فرایند چرخه ای تحلیل^۱ است. به باور ترک زاده این روش به عنوان یک روش تحلیل کیفی ساده و عملی در چرخه ای شامل سه مرحله کاهش داده ها، سازماندهی و تفسیر توسط ساراتاکوس معرفی می شود که امکان تحلیل داده های کیفی پراکنده و پربعد را فراهم می کند نظیر آنچه در اسلام و منابع متعدد و پرمحتوای اربعه یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل وجود دارد و در عین حال برای تحلیل مفاهیم و موقعیتهای غنی و پربعد و اکتشاف، استخراج و استنتاج معانی بدیع از آنها توانایی بسیاری دارد. الگوی ترک زاده الگوی توسعه یافته آن روش و شامل چهار مرحله گردآوری اطلاعات، کاهش احیاگرانه داده ها، سازماندهی و تحلیل اطلاعات، تفسیر و نتیجه گیری است. ملاحظه می شود که منابع یاد شده و اطلاعات نهفته در آنها، ماهیتاً کیفی، پربعد^۲ و پربرایند (دارای امکان تفسیر و تعبیر پذیری و

1 - The Cyclical Process Of Analysis

2 - Sequential

استنتاجات مختلف موقعیتی از دیدگاه های مختلف) است. قاعدتاً و به طریق اولی، اکتشاف، استخراج و تحلیل داده‌ها و اطلاعات مرتبط، و استنتاج و استحصال دانش از آنها نیز مستلزم کاربست الگوها و روشهای کیفی ای است که بتواند پاسخگوی پراکندگی منابع و اطلاعات موجود باشد؛ قدرت اکتشاف، استخراج و تحلیل داده‌ها و اطلاعات صریح و ضمنی را داشته باشد؛ توان استنتاج و یکپارچه سازی مستمر دانش را داشته، و در عین حال ساده و مدیریت پذیر باشند. به نظر می‌رسد روش فرایند چرخه ای تحلیل چنین ویژگیهایی دارد و از این حیث پژوهشگران می‌توانند در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی، به نحو مفیدی از آن استفاده کنند (ترک زاده، ۱۳۸۸).

گردآوری اطلاعات: فرضیات مطرح شده عبارت بود از "جامعه اسلامی جامعه‌ای دانش بنیان است" و "بین مفاهیم مربوط به مدیریت دانش و مفاهیم اسلامی ارتباط وجود دارد و می‌توان بر اساس مدیریت دانش، الگویی برای مدیریت دانش اسلامی عرضه کرد." این فرضیات از دیدگاه اهل سنت تأیید شده بود و از دیدگاه شیعی مطلبی مشاهده نشد. در عین حال عدم استفاده از منابع فراوان اسلامی - شیعی در خصوص دانش به این سؤال منتج شد که: ضمن توسعه و تبیین دوباره و کاملتر فرضیات یاد شده، الگوی مدیریت دانش اسلامی از دیدگاه تفکر شیعی چگونه است؟

در این مرحله اطلاعات مرتبط با موضوع یعنی مدیریت دانش اسلامی و سؤال یاد شده گردآوری شد. شناسایی زمینه‌ها و منابع، جستجو و کشف، استخراج و گردآوری، کدگذاری اطلاعات و دسته‌بندی اطلاعات در حال گردآوری به صورت پویا، تعاملی، غیرخطی و غیرمنفرد صورت گرفت؛ گردآوری اطلاعات در این پژوهش به حالت تکمیلی (ترکیبی از حالات اکتشافی و تأییدی) انجام شد؛ زیرا حدود، چارچوب و الگوهای ذهنی یا مفهومی اولیه ناشی از مقالات یاد شده و هم‌چنین نصوص و متون اسلامی نظیر قرآن و کتابهای اربعه شیعه فراهم بود. گردآوری اطلاعات به صورتی تقریباً معین و جهت‌مند^۱، و در شکل مطالعه اسنادی در آن حدود درخصوص علم انجام شد. این اطلاعات، همزمان دسته‌بندی و کاویده شد و با ترکیب آنها ضمن استمرار پژوهش در حالت تأییدی به تأیید و پاسخگویی مسئله تحقیق پرداخته شد. در این راستا ثبت و چند گوش‌سازی^۲ اطلاعات بر مبنای ثبت منظم و ضبط فیشهای حاصل از مطالعات به عمل آمد و

1 - Directed

2 - Multilateral

تدوین محتوا، موقعیت، منبع، توضیحات تکمیلی، تحلیل و تفسیرهای اولیه‌ای انجام شد که در تفاسیر آیات و تحلیل احادیث وجود داشت.

کاهش احیاگرانه داده‌ها: در این مرحله با مطالعه دقیق مواد و محتوای گردآوری شده از منابع یاد شده، موضوعات و جوانب اصلی، مهم و معنادار به این شرح شناسایی شد: علم و دانش در اسلام، تبیین علم و دانش و اهمیت آن در اسلام از دیدگاه قرآن و احادیث معصومین (ع) و ویژگیهای دانش در آنها، انواع دانش در اسلام، بررسی همخوانی دانش اسلامی با علوم روز، روش‌شناسی اسلام در مورد دانش و مدیریت دانش اسلامی؛ به عبارت دیگر اطلاعات پربعد و دارای تفاسیر، تعبیر و مفاهیم فراوان به دست آمده نظیر آیات و روایات متعدد به اجزای مرتبط تر و ساده‌تری شکسته شد و در نهایت به اکتشاف، استخراج و توسعه و تولید اطلاعات معنادار مرتبط با مدیریت دانش اسلامی منجر شد.

سازماندهی و تحلیل اطلاعات: در این مرحله، ابتدا حول موضوعات دانش، مدیریت دانش اسلامی به طور عام و مدیریت دانش اسلامی - شیعی به طور خاص اطلاعاتی جمع‌بندی شد؛ سپس اطلاعات برحسب مفاهیم و تحت عبارات معینتری که در الگوی مورد استفاده قرار گرفته است، طبقه‌بندی گردید و در نهایت اطلاعات به شکل الگوی ترکیبی مدیریت دانش اسلامی - شیعی عرضه شد که در بردارنده تحلیل محتوای آنها بود.

تفسیر و نتیجه‌گیری: در نهایت جمع‌بندی و استنباط از تمام مباحث، اطلاعات و نتایج مرتبط با مدیریت دانش اسلامی به عمل آمد و راهکارها و پیشنهادها برای پژوهشهای آینده در خصوص آن عرضه شد.

تبیین علم و دانش و اهمیت آن از دیدگاه قرآن

با وجود آیات بسیار در مورد دانش به تناسب بحث، آیاتی بیان می‌شود: نخستین آیات قرآن، آیات آغاز سوره علق است که نشان می‌دهد رسالت اسلام بر پایه اولیه علم بنا شده؛ مصدر و منشأ دانش، خداست. دانش باید حفظ شود و قلم و کتابت بهترین ابزار ثبت آن است (علق/ ۱-۵). در میان همه مخلوقات هستی، خداوند بر انسان، علم اسمای خود را کرامت کرد و او را بر دیگران مزیت داد (بقره/ ۳۱). و این کرامت را با کتابهای آسمانی بویژه آخرین و کاملترین آنها کامل

فرمود. از نشانه های این عطای الهی، آموختن قرآن به ایشان است (الرحمن / ۱-۴). دانش را قرین با ایمان و لازمه دریافت مفاهیم و اسرار قرآنی (محکمت و متشابهات) و علم و دانش الهی را محور دانش می‌داند و این صفات را در خدا و راسخان در علم، آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات در پرتو علم الهی هستند، جمع می‌داند (آل عمران / ۷). منشأ علم، خداوند علیم دانای مطلق است (انعام / ۵۹)؛ دانش را در کنار ایمان عاملی برای رشد و پیشرفت تدریجی می‌داند (مجادله / ۱۱) و در مورد فضل علما بر دیگر انسانها اعلام می‌کند که هر کس را بخواهد به مراتب بلند می‌رساند تا مردم بدانند که فوق هر دانشمندی، دانشمندتری وجود دارد (یوسف / ۷۶). دانایان و نادانان برابر نیستند و دانش را ملاک انتخاب افراد مناسب و شایسته برای احراز مناصب برمی‌شمرد (زمر / ۹؛ یوسف / ۵۵؛ بقره / ۲۴۷) و ویژگی مدیر- رهبردانشی شایسته پیروی را از زبان ابراهیم (ع) داشتن دانش می‌داند (مریم / ۴۳) و ثمره دانش یعنی تقوا، اطاعت و بندگی را به زبانی صریح بیان می‌کند (فاطر / ۲۸). سرانجام آن کس که به جمیع این شرایط دست یافت به حکمت می‌رسد که به گفته خداوند توفیق دستیابی به آنچه گفته شد در بینش اسلامی باید از جانب خودش و به واسطه فراهم آمدن مقتضیات و شرایط احراز آن در افراد اعطا گرد (بقره / ۲۶۹).

علاوه بر اینها استفاده از شیوه قصه‌گویی و بیان روایی در بیان این ارزشها، که در قصه‌ها و نقل قولهای قرآنی مشاهده می‌گردد و نیز استفاده از خبرگان و مراجع اخذ دانش نظیر آنچه در خصوص دانش آموزی موسی از خضر در آیات ۶۵ تا ۷۶ سوره کهف آمده است شایان توجه است.

تبیین علم و دانش و اهمیت آن از دیدگاه احادیث معصومین (علیهم السلام)
نخست از رسول خدا (ص)

اهمیت و ضرورت تعلم و عدم فرق جنسیتی در این خصوص: «طلب دانش بر تمام مسلمانان از زن و مرد واجب و ضروری است»؛ در مورد اکتساب، ثبت، تسهیم و کاربرد دانش: «چهار چیز بر هر صاحب‌خرد و عاقلی از امت من واجب است: به علم و دانش گوش فرا دادن و آن را به یاد - سپردن و در میان مردمان نشر کردن و به کار بستن»؛ کاربرد و نتایج مثبت دانش، هدف و غایت علم و رابطه علم و عمل: «تحصیل دانش بر هر مسلمانی واجب است... با دانش است که پروردگار، فرمانبری و پرستش می‌شود و با دانش است که پیوندهای خویشاوندی برقرار می‌ماند و حلال از

حرام باز شناخته می‌شود. دانش پیشوای عمل است و عمل پیرو آن است؛ به نیکبختان دانش الهام می‌شود و شوربختان از آن محروم می‌شوند؛ دانش موثرترین ابزار مقابله با شیطان (مظهر ظلم، بدیها و کاستیها): «هیچ چیز مثل عالمی که از قبیله‌ای رشد پیدا کند و بیرون رود، کمر شیطان را نمی‌شکند»؛ اهمیت و ضرورت تسهیم و انتقال دانش: «ای عالمان سزاوار نیست که نسبت به آنچه بدان آگاهی دارید ساکت بمانید و آن را برای جاهلان آن موضوع بیان نکنید و ای جاهلان شایسته نیست نسبت به مجهولات خود سکوت کنید و از آن سؤال نکنید تا برایتان معلوم گردد»؛ بیان فرایندها و ابزارهای مدیریت دانش: «قبل از اراده کردن مشورت کن و قبل از اقدام بیندیش؛ شخص بصیر کسی است که بشنود و بیندیشد و بدقت بنگرد و از عبرتها بهره گیرد. درستی رأی و اندیشه به سیر در اندیشه‌هاست»؛ شرایط مرجع گرفتن دانش و اهداف مورد نظر از آن: «به دانشمندی نزدیکی جوید و علم را از عالمی فراگیرید که شما را از تکبر به تواضع از ریا به اخلاص و از شک به یقین و از رغبت و میل به دنیا به زهد و بی‌رغبتی و از دشمنی به خیرخواهی دعوت می‌کند»؛ زندگی موفق در سایه دانش و کارایی آن: «زندگی تنها برای دو کس خیر دارد: یکی عالمی که مردم از او اطاعت کنند و سخنانش را بپذیرند و دیگری شنونده‌ای که سخن علما را گوش کند و بپذیرد»؛ فضل و اولویت دانش بر عبادت صرف: «انسان اهل دانش با انسان اهل عبادت فاصله‌ای شگفت دارند»؛ برتری صاحبان دانش در جامعه بشری: «عالم از شهید برتر است و شهید از عابد برتر است و پیغمبر از عالم برتر است؛ مانند پیغمبر (ص) که بر علما فضیلت و برتری دارد، انسان عالم هم از دیگران برتر است»؛ مشارکت و بهره‌مندی متقابل یادگیرنده و یاددهنده دانش و ایجاد انگیزه برای انتقال دانش: «...عالم و متعلم در اجر و ثواب با هم شریکند».

احادیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام

فضیلت دانش و بیان رابطه خداوند (منبع دانش) و انسان (کاربر دانش): «شریفترین چیزها علم است؛ خدای متعال خود عالم است و همه دانشمندان را دوست می‌دارد»؛ لزوم عنایت خداوند به منظور بهره‌مندی از دانش: «علما نور هدایت او در زمین هستند و خداوند خیر هر کسی را اراده کند، او را از نور آن (علم علما) بهره‌مند می‌کند»؛ استفاده از ابزارهای دانش: اگر آزمایشها و تجربه‌ها نبود، راه‌ها، پنهان می‌ماند»؛ بیان چگونگی نگرش مؤثر در دانش: «عالم با دل و چشم باطن خود به همه چیز می‌نگرد و جاهل با چشم ظاهربین»؛ ممیزی دانش: «دانش، بیش از آن است که بتوان همه آن را فراگرفت. پس از هر دانشی، نیکوترین آن را بگیری»؛ بیان مترادف بودن ارزش با

دانش: «مردم سه دسته‌اند: عالمی که علمش خدایی است، دانشجویی که راه نجات را می‌پیماید، افراد کم‌عقل و بی‌ارزش»؛ فضیلت و برتری دانش (لزوم تربیت جایگزین از طریق انتقال دانش دلیلی بر این مدعا است که حتی اسلام، که دینی کامل است برای استمرار و تأثیرپذیری نیازمند آموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد و جایگزین است): «عالم از روزه‌دار جهادگر و نمازگزار برتر است. وقتی عالم بمیرد خلئی در اسلام ایجاد می‌شود که هیچ چیز نمی‌تواند آن را پر کند مگر جایگزینی به‌جای او»؛ ملاک شناسایی دانش مفید: «عالم کسی است که دانشش وی را به پرهیزگاری و دل برکندن از دنیا و شیفتگی به بهشت فراخواند»؛ لزوم تعلیم و تعلم و نقش آن در انسجام و قوام جوامع بشری و زیستگاه مادی انسان: «پایداری و قوام دنیا به چهار تن است: عالمی که به علم خود عمل کند، نادانی که از آموختن استنکاف نکند، انسان غنی که مال خود را به فقیران ببخشد و فقیری که آخرتش را به دنیایش نفروشد»؛ اثر کاربردی دانش: «بر دو کس همه امور آسان می‌شود: عالمی که عاقبت امور را بداند و نادانی که نداند گرفتار چه گرفتاری شده است»؛ لزوم خداترسی و نشر دانش: «بر هر عالمی واجب است که تقوا داشته باشد و علمش را به کسی که طالب آن است عطا کند»؛ تکریم دانشمندان: «وقتی عالمی را می‌بینید باید به او خدمت کنید»؛ تکریم دانشمندان و بیان ارتباط آنان با منبع دانش: «احترام گزاردن به عالم در واقع احترام گزاردن به خدای سبحان است»؛ عدم محدودیت سنی برای دانش و تکریم دانش: «نادان حتی اگر سالخورده باشد کوچک شمرده می‌شود و دانشمند هر چند خردسال باشد، بزرگ است»؛ ضرورت استقامت و تداوم در دانش‌آموزی: «عالم کسی است که در یادگیری اظهار خستگی نمی‌کند»؛ عدم محدودیت زمانی و حجمی برای دانش‌اندوزی: «عالم آن است که از فراگیری علم هیچ‌گاه سیر نشود و همواره به دنبال تحصیل آن باشد»؛ ترادف حیات با دانش و مرگ با جهل: «عالم زنده‌ای است میان مردگان»؛ عدم محدودیت مکانی و فرهنگی برای دانش (دلیلی برای اینکه علوم غیرالهی و تجربی نیز مورد نظر شارع اسلام بوده است): «دانش را حتی اگر در چین باشد طلب کنید، چرا که طلب علم بر هر مسلمانی واجب است»؛ پایان‌ناپذیر بودن دانش و اثر مثبت آن در تربیت انسان کامل: «دو گرسنه‌اند که هرگز سیر نمی‌شوند: خواهان دانش و خواهان دنیا؛ اما خواهان دانش رضایت خدا را می‌افزاید و خواهان دنیا در گمراهی و سرکشی پیش می‌رود».

احادیثی از رئیس مذهب شیعه امام جعفر صادق علیه السلام

عدم محدودیت کمی و کیفی دانش: «طلب علم در هر حالی واجب است»؛ فضیلت دانش و

بهره‌وری بیشتر زهد و عمل در سایه امتزاج با علم: «انسان عالم از هزار زاهد و هزار تلاشگر برتر است»؛ ابزار دانش، ضرورت ثبت، حفظ و تسهیم دانش: «علم خویش را بنویس و میان برادرانت انتشار ده و هنگامی که مرگت فرا رسید، کتابهای خود را به ارث برای فرزندان باقی گذار؛ زیرا زمانی پر آشوب خواهد آمد که مردم به چیزی دیگر جز کتاب انس نمی‌یابند».

انواع دانش در اسلام

تقسیم‌بندیهای گوناگونی در اسلام برای دانش وجود دارد. کاربردیت‌ترین نوع مناسب موضوع، تمایز علوم از لحاظ حکم فراگیریشان است که به نوعی ممیزی دانش را ممکن می‌کند؛ از این حیث علوم در اسلام، واجب، حرام، مستحب، مباح و مکروه‌اند. علوم به دو دسته عمده تقسیم می‌شود: دسته اول، علمی که یادگیری و تعلیم آنها صریحاً نهی شده مثل علم سحر و یا برای فرد و جامعه فسادآفرین است و همین‌طور علمی که شخص به قصد ضرر زدن به دیگران می‌آموزد، یادگیری این دسته از علوم حرام است مگر در مواقع ضرورت؛ مثلاً سحر را برای ابطال سحر دیگران بیاموزد. دسته دوم، علمی که مشخصات گروه قبل را ندارد، که خود دو گروه است: اول، دانشهایی که مقدمه سازندگی مادی یا معنوی، دنیوی یا اخروی، فردی یا اجتماعی است و بدون آنها اساس حیات مادی و معنوی انسان به مخاطره می‌افتد؛ تحصیل این علوم به صورت واجب عینی مثل شناخت عقاید و تکالیف شرعی و یا واجب کفایی مثل علم طب بر همگان لازم است. دوم، دانشهایی که نقش حیاتی در زندگی فرد و یا اجتماع ندارد. این گروه بر سه قسم است: اول، مستحب: هر دانشی که مقدمه تقویت بنیه مادی یا معنوی فرد یا جامعه است و بدون آن ضربه‌ای وارد نمی‌شود و در صورتی که با قصد قربت فرا گرفته شود، عمل مستحبی است. دوم، مباح: دانشهای دسته قبل اگر بدون قصد قربت تحصیل شود مباح است. سوم، مکروه: دانشهایی که مقدمه فساد نیست اما سودی هم در بر ندارد و اگر موجب تضييع عمر شود و انسان را از مقصد دور کند، لغو، مذموم و مکروه به‌شمار می‌آید؛ مثل علم انساب (محمدی ری شهری، ۱۳۸۰).

بررسی همخوانی دانش اسلامی با علوم روز

آیات و روایات بسیاری نشانگر اهتمام اسلام به انواع دانشهای بشری است که از شمول اسلام بر دانشهای انسانی و صلاحیت آن در همه زمانها و مکانها خبر می‌دهد؛ به عنوان نمونه در سوره عنکبوت آیه ۲۰ می‌فرماید: «بگو که در زمین سیر کنید و ببینید که خدا چگونه خلق را ایجاد کرد تا

از مشاهده اسرار خلقت نخست بر شما بخوبی روشن شود که سپس خدا نشئه آخرت را ایجاد خواهد کرد؛ همانا خدا بر هر چیز تواناست؛» به عبارت دیگر چگونگی و مفهوم نگرش اسلام به علم و دانایی بر مبنای باور توحید و صفات خالق هستی از طریق شناخت کیفیت آفرینش، اعتقاد به نبوت پیامبر و ایمان به معاد و جهان آخرت است. روش حرکت، مشاهده و پژوهش برای ایمان به این اصول سه گانه، که لازمه مسلمانی است، سیر در آفاق و انفس است و در نهایت اثر قطعی این باورها یعنی وجوب اطاعت از خداوند، یک نقطه مرجع مفید برای شروع بحث در مورد مفهوم اسلامی دانش است. حال، آیا قرآن و معارف اسلامی پاسخگوی علوم طبیعی و مادی، مسائل جدید و سؤالات روزمره در زمینه علوم روز هست؟ آیا اطلاق دانش اسلامی شامل تمام دانشها هم هست؟ آیا انطباق اسلام با مفاهیم مدیریت دانش که بیشتر به نظر می رسد کاربردی متناسب با علوم مدرن و مباحث مدیریتی در زمینه موفقیت و حصول اهداف سازمانها داشته باشد، معنا دارد؟ برای تبیین مسئله بیان مطالبی بر گرفته از تفاسیر و آرای صاحب نظران شایان توجه خواهد بود:

هدف اساسی از نزول آیات وحی، هدایت انسان به سوی خداوند و امتیاز حق از باطل است (بقره/۱۸۵). بنابراین هدف اصلی قرآن بیان جزئیات همه علوم تجربی و مادی بشری نیست. مقصود از دانش در بررسی رابطه «اسلام و دانش» یا «قرآن و علم»، همه دانشهای بشری و شامل علوم طبیعی، انسانی، عقلی، نقلی و شهودی است. قرآن، راهنمایی برای هدایت انسان در تمامی شئون زندگی است تا او را به رشد و تعالی در همه ابعاد وجودیش یعنی تکامل و قرب الهی برساند؛ لذا محتوای آن دربردارنده ابعاد معنوی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و ... است. قرآن با بسیاری از علوم بشری بویژه علوم انسانی رابطه دارد و در مورد آنها مطالبی بیان کرده است که می تواند برای جهتهی، مبنادهی و نظریه پردازی در آن علوم سودمند باشد.

چنانچه آیات علمی را در نظر بگیریم به تعبیری یک سوم و به تعبیر دیگر یک پنجم از قرآن با علوم مختلفی نظیر علوم الهی، اقتصاد، نجوم، معدن و ... مرتبط است. شمارگان مختلف آیات در این مبحث براساس دیدگاههای متفاوت در مورد مبانی تفسیر علمی و تعریف آیات علمی است. شیوه های استنباط و تفسیر و برداشت علمی از آیات نیز به چهار روش صورت پذیرفته است:

- ۱- استخراج همه علوم از قرآن: کسانی مانند غزالی کوشیده اند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند.
- ۲- تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن: در این روش افرادی بویژه تحصیلکردگان علوم جدید سعی کرده اند با مطابقت یافته های موجود در حیطه رشته تخصصی خود با آیات، اثباتی بر

حقانیت آنها بر مبنای علوم مادی ارائه نمایند؛^۳ - استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن: در این شیوه مفسر با استفاده از مطالب قطعی علوم که با ظاهر آیات موافق است، سعی در تفسیر علمی و کشف معانی مجهول می‌کند. این شیوه، بهترین و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

۴- نظریه‌پردازیهای علمی قرآن و جهتهای به مبانی علوم انسانی: برخی از آیات علمی مطالبی را بیان می‌کند که هر چند از نظر علوم تجربی به اثبات نرسیده، دلیلی نیز در رد آن مطلب نداریم و آنجا که وحی نوعی دانش قطعی و از سرچشمه الهی است در صحیح بودن آن شکی نیست و ممکن است در آینده تأیید شود. این موارد را می‌توان به‌عنوان نظریه‌های علمی قرآنی مطرح نمود و چون دیگر نظریه‌های علمی در پی شواهد تجربی آنها بود؛ مانند نظریه وجود موجودات زنده در آسمانها در آیه ۲۹ سوره شورا که می‌توان به‌عنوان یکی از نظریه‌های علمی قرآنی، مبنای تحقیقات تجربی کیهان‌شناختی وسیع قرار داد (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵).

در قرآن هرگز چیزی که مخالف عقل و منطق و قطعیت علمی (از طریق مشاهده و تجربه) باشد، وجود ندارد و اگر موضوعی با این روش و به‌طور قطع اثبات شد، مسلماً قرآن، موافق آن است؛ ولی اگر برخلاف واقعیت موضوع گام برداشته باشیم، نهایتاً که نادرست بودن نتیجه تحقیق و اشتباه بودن نظریه معلوم خواهد شد، به خطای خود در این گونه برداشت و استفاده از قرآن نیز پی خواهیم برد (مشکینی، ۱۳۸۶: ۲۵). نظریه‌پردازیهای قرآن در زمینه علوم به‌طور اعم می‌تواند مورد بهره‌برداری قرارگیرد. از آنجا که چالش علم و دین در حوزه علوم انسانی یکی از چالشهای مهم بشر در حال و آینده است، مباحث بین رشته‌ای اسلام و دانش از اهمیتی ویژه برخوردار است. می‌توان از قرآن برای اسلامی کردن دیدگاه‌ها در حوزه علوم انسانی استفاده کرد؛ یعنی با ملاک و معیار آن، مدیریت و سایر علوم اسلامی را مطرح کرد که با احتیاط و پرهیز از انطباق آیات با علوم روز مفید خواهد بود. لازم است تفسیر علمی با رعایت شرایط صحیح تفسیر، آگاهی و صلاحیت مفسر و تسلط و آگاهی به مطالب رشته علمی مورد نظر انجام شود. شایان توجه است اگر نظریه پردازی در حوزه دانش روز با تکیه بر اسلام به تعارض بین مفهومی از آن علم با وحی و دانش قدسی منجر شود، قرآن مقدم خواهد بود و نظریه خلاف آن مردود خواهد شد؛ زیرا کلام خدا قطعی و مسلم است.

روش شناسی اسلام در مورد دانش و مدیریت دانش

در طول تاریخ، اجتماعات انسانی بر اساس اشتراکات فکری درباره خالق هستی و پیدایش انسان و چگونگی رویارویی با جهان نظیر نحوه تغذیه، اسکان و ... شکل گرفته است. به دنبال آن، عواملی چون فرهنگ، دانش، رسوم، ساختار اداره جامعه و تشکل سازمانها از طریق شناخت این مشترکات و تعریف حد و مرزها، جهتگیریها و هویت جوامع را مشخص ساخته‌اند. از این‌رو، اولین آیات نازل شده نیز می‌تواند ویژگیها و چارچوب عناصر شکل دهنده جامعه اسلامی را بخوبی نشان‌دهد. در آیات ۱ تا ۵ سوره علق به ربوبیت خدا و اثبات آن از طریق اشاره به توانایی آفرینش، تدبیر هستی و قدرت‌نمایی او در جریان خلق انسان از نطفه‌ای بی‌ارزش پرداخته است که به گمانی اشاره به روح اجتماعی انسان دارد که در حقیقت پایه اصلی تکامل بشر و پیشرفت تمدنها را تشکیل می‌دهد و سپس با تأکید دوباره بر بزرگواریش دو معنا را یادآور می‌شود: نخست، خدا نوشتن را که مبدأ ثبت سرچشمه تمام علوم، فنون و تمدنها است به بشر آموخت. دوم، دانشها را با این وسیله به انسان آموخت؛ لذا آغاز وحی همراه با آغاز حرکتی علمی بود. در نهایت پس از نزول تمام احکام و تعلیمات اسلامی و حماسه غدیر، دین الهی تکمیل و نعمتش به اتمام و اكمال رسید و اسلام دین مرضی الهی شد (مائده/۳). به رغم امی بودن پیامبر و ریشه‌داری جاهلیت در حجاز در نخستین آیات وحی تکیه بر علم و قلم است که بلافاصله بعد از نعمت بزرگ آفرینش ذکر شده است. می‌دانیم از عمده تلاشهای رسول خدا هم عرضه قرآن بر صاحبان اذهان پرتوان در حفظ آیات مانند علی(ع)، ابن عباس و... و نیز گماردن باسوادانی از امت به نام کاتبان وحی بوده‌است؛ هم‌چنین «قرآن روی چیزهای مختلفی مثل چوب، پوست، استخوانهای شانه شتر و گوسفند، سنگهای ظریف سفید و کاغذ نوشته می‌شده‌است» (حجتی، ۱۳۵۸)؛ این نشانگر اهتمام بر حفظ دانش، قلم و کتابت به‌عنوان ابزاری برای مستندسازی، نشر و انتقال آن است. شاید راز اینکه این ادوات گوناگون است و حجمی کم متناسب با آیات نازل شده و جدا دارد این است که به‌مثابه واحدهای جمع‌آوری اطلاعات و یا فیشهایی، امکان افزوده شدن و تجمیع با آیات دیگری را که در زمان دیگری نازل می‌شده است در قالب یک سوره واحد داشته باشد. این ویژگی ضمن تضمین جمع‌آوری نهایی قرآن در قالب مصحفی کامل در بردارنده استقلال آیات است و در عین حال شأن نزول، پیام و کاربرد مورد نظر و امکان به‌کارگیری در تحلیل و حل مسائل مشابه در

زمانهای دیگر را نیز فراهم ساخته است. این تحلیل می‌تواند یکی دیگر از اسرار نزول تدریجی را به رغم نزول دفعی در شب قدر بیان کند. کتابهای فراوانی که تحت عنوان تاریخ تمدن اسلام یا میراث اسلام نوشته شده، گواه این مدعا است که اتخاذ چنین روشی به تولید و گسترش علوم توسط مسلمانان منجر گردید. از دیگر نکات مستفاد از آیات یکم تا پنجم سوره علق لزوم ذکر خدا در هر حال و در استمرار است. شروع دعوت و کل زندگانی پیامبر (ص) با ذکر و یاد خدا همراه، و این مطالب مبنای این عقیده است که دستور خداوند به انسان تنها این نیست که فقط به جمع‌آوری دانش و اطلاعات پردازد بلکه او را مکلف فرموده که به‌طور مستقیم به سازماندهی، برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب دانشی که به او عطا شده است در خود و جامعه پردازد تا بهتر بتواند حق بندگی را به جا آورد. نکته دیگر این که آدم (ع) را با استعداد فراگیری دانشی ویژه آفرید و تمامی حقایق و اسامی آنها را به وی آموخت؛ به انسان توان یادگیری حقایق هستی، حکمت آفرینش انسان و راز لیاقتش را برای خلافت در زمین داد و خود نخستین آموزگارش شد. در مفهوم عرفانی راه رسیدن به خلافت الهی، که همان راز آفرینش بشر است، علم صائب و عمل صالح است که نموداری از آن در دو محور معرفت و عبادت بازگو می‌شود: یکی اینکه خداوند در آیه ۱۲ سوره طلاق، هدف از خلقت مجموع نظام کیهانی را که انسان نیز جزئی از آن است، معرفت بشر به قدرت نامتناهی و علم نامحدودش می‌داند؛ دیگر اینکه می‌فرماید: «من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند» (ذاریات/۵۶)؛ یعنی انسان اگر بخواهد به هدف والای خود که جانشینی خداست نایل شود منحصرأ باید او را عبادت کند؛ چنانکه به مصداق آیه ۱۶۲ سوره انعام همه شئون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... او صبغه عبادی می‌یابد (جوادی آملی، سایت اسرا).

زمانی که انسان قادر به مدیریت دانش خود بر مبنای ساختاری بشود که مدیریت دانش اسلامی بنا می‌گذارد، خواهد توانست تا عظمت پروردگارش، خالق هستی را بشناسد. چنانچه قرآن مشرکان و در نهایت همه انسانها را به داوری عقل و حکم وجدان و فطرت می‌برد تا نخستین پایه توحید را که مسئله خالقیت آسمان و زمین است در قلوب آنها محکم کند (زمر/۳۸) و نیز انتهای مسیر همه چیز را به سوی خود می‌داند (نجم/۴۲) و تدبیر و محاسبه همه را به دست خدا می‌داند (غاشیه/۲۵-۲۶) و بیان می‌کند که غیب و شهود و نهان و آشکار همه چیز در احاطه علم الهی است؛ توجه به این مطلب بازدارنده آدمی از گناه و توبه‌شکنی و برانگیزاننده وی به خیر و صلاح پس از

تشویق و توصیه به توبه و عمل نیکوست (توبه/ ۱۰۵). شکی نیست که خداوند متعال تنها به ذات دانش انسان نمی‌نگرد بلکه به راه و روش اکتساب آن دانش نیز نظر دارد که بر چگونگی کاربرد علم تأثیر خواهد گذارد و عمل انسان در حقیقت مبتنی بر نوع دانش و ادراک او از حقیقت آن دانش است و هم‌چنین بر مبنای نیت و هدفهایی که از به‌کارگیری آن علم مد نظر اوست و این یعنی عمل فرد، انعکاس معرفت ذخیره و انباشت شده در ذهن و وجود اوست و اگر آن معرفت درست باشد، عملش را همانند آن صحیح خواهیم یافت.

نکته شایان ذکر دیگر در روش شناسی و ابزارهای مورد استفاده قرآن در خصوص دانش این است که در راستای آموزش صحیح و مؤثر مفاهیم والای دانشی خود از فناوریهای مختلفی نظیر این موارد بهره برده است: آموزش مستقیم از طریق اشیای حقیقی^۱ (بقره/ ۳۱-۳۳؛ انبیاء/ ۵۷-۶۳)؛ آموزش از طریق عرضه^۲ (مائده/ ۳۰-۳۱؛ اعراف/ ۱۰۶-۱۰۸)؛ آموزش از طریق تجربه^۳ (بقره/ ۲۶۰؛ اعراف/ ۱۴۳)؛ آموزش از طریق طوفان ذهنی^۴ (بقره/ ۲۵۸؛ قصص/ ۷۱-۷۵)؛ آموزش از طریق تصویرسازی متوالی^۵ گویی که سکانسهای متوالی یک فیلم را نمایش می‌دهد (نجم/ ۶-۱۸؛ قمر/ ۱۱-۲۵)؛ آموزش با استفاده از ویژگیهای رسانه‌ای^۶ (نور/ ۳۵؛ الرحمن/ ۱۹-۲۷؛ بقره/ ۶۸-۶۹)؛ کاربری سناریوی محکم و دقیق^۷ (یوسف/ ۱۵ - ۴۳، ۱۷ - ۴۷، ۴۶ - ۸۱، ۵۱ - ۸۴)؛ استفاده از فناوریهای چندرسانه‌ای^۸ (بقره/ ۲۵۹). (محمد عطا مدنی، ۲۰۱۰)

بحث و بررسی

فناوری اطلاعات و ارتباطات، تغییراتی بنیادین در آموزش پدید آورده است. این تغییرات، تنها دامن فناوریها و روشها را نگرفته، بلکه مفاهیم و تصورات را نیز دگرگون ساخته است. این پیشرفتها فرصتی استثنایی برای تحول شیوه‌های سنتی آموزش در حوزه علوم و معارف اسلامی ایجاد کرده است. از سوی دیگر، ضرورت تغییر در روشهای آموزشی در حوزه علوم دینی در سخنان بسیاری

- 1 - Learning by real things
- 2 - Presentation
- 3 - Using Experiments
- 4 - Brain storming
- 5 - Movies
- 6 - Media attributes
- 7 - Perfect Scenario
- 8 - Multimedia

از بزرگان حوزه ملاحظه می‌شود. از سویی، پاسخگویی به نیازهای بسیار و گوناگون که مدرسه‌ای به بزرگی کل جامعه می‌طلبد، واقعیتی ملموس است. تجزیه و تحلیل همزمان این مسائل، اجتناب‌ناپذیر بودن به‌کارگیری این فناوری در آموزش علوم دینی و معارف اسلامی را آشکار می‌سازد. اگر روند تغییر و تحولات دانش در جامعه معاصر بدقت مورد ارزیابی قرارگیرد، این نتیجه مهم به دست می‌آید که جامعه فراصنعتی امروز جامعه‌ای اطلاعاتی است که در آن بتدریج فناوریهای نیروافزا جای خود را به فناوریهای دانش‌افزا می‌دهند (احمدپور داریانی، ۱۳۸۱).

در محیط پویا و پیچیده امروز برای سازمانهای فرهنگی ضروری است که به‌طور مداوم دانش جدید را به شکل ایجاد، اعتباربخشی و کاربرد در محصولات و خدمات خود به‌کارگیرند. در همین زمینه پیتر دراگر می‌گوید: «راز موفقیت سازمانها در قرن ۲۱ همان مدیریت دانش است». همین اصل در خصوص سازمانهای اسلامی نیز صادق است؛ لذا با رویکردی به روش‌شناسی قرآن می‌توان جامعه دانشی و سازمانهایی را بر اساس مدیریت دانش شکل داد؛ چنانکه در آیه ۱۲۵ سوره نحل سلسله مراتب مطرح شده برای حصول به دانش اکمل را به ترتیب، داده‌ها و مسلمات (کلیات وحی و آیات) و به دنبال آن اطلاعات، دانش، بصیرت و حکمت می‌داند. حکمت دارای معانی متعددی است اما شاید به استناد بیان حضرت علی (ع) که فرموده‌اند: «علم و دانش بلند می‌گرداند صاحب خود را و حکمت باعث رشد و راه‌یافتن او می‌شود» بتوان حکمت را تبلور عملی دانش با عمل دانست. مراد از حکمت نیز دانستن علوم دینی و معارف شرعی است و گاهی عمل نیز در مفهوم آن اعتبار می‌شود؛ پس به معنی علم با عمل باشد (حسینی ارموی محدث، ۱۳۶۶).

هدف نهایی از مدیریت دانش اسلامی، ایجاد جامعه دانشی اسلامی است و نهایتاً اجرای ارزشها و معانی اسلام در زندگی واقعی. مبادله دانشی بین نسله‌ها استمرار می‌یابد و پس از آن تولید دانش معاصر بر اساس مقتضیات زمانه و بر مبنای پایه‌ها و مبانی اصول اسلامی صورت می‌گیرد و از طریق مدیریت مستمر دانش اسلامی اجرا و بهره‌وری آن مستدام خواهد بود. این امر با اصول استنباط احکام نظیر اجتهاد در شیعه و استصحاب در اهل سنت در طول عصرهای مختلف و گوناگونی مستحدثات و تنوع ارتباطات و معاملات انسانی، تراکم و انباشت می‌یابد.

الگوی ترکیبی مدیریت دانش و الگوی ترکیبی مدیریت دانش اسلامی - شیعی

الگوی ترکیبی مدیریت دانش (جعفری و همکاران، ۱۳۸۸) در بردارنده زیرساختهای لازم

برای مدیریت دانش و فرآیندهای آن شامل شناخت، برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و ارزیابی و بهبود است و بر اساس آن الگوی ترکیبی مدیریت دانش اسلامی - شیعی شکل می‌گیرد. نخستین گام، ایجاد زیرساختهای لازم برای مدیریت دانش اسلامی - شیعی به این شرح است:

- زیرساخت فرهنگی و اجتماعی: اسلام دانش‌بنیان و جامعه اسلامی جامعه‌ای دانشی است. انسان کامل دانش‌محور است.

- حمایت مدیریت و رهبری: قرآن و احادیث، سیره پیامبر و معصومین در راستای هدایت انسان در مسیر بندگی و خلافت الهی و ساخت جامعه متعالی دنیوی در سایه ولایت امام عصر(عج)، حمایت نظام و مسئولین ممکن است. شیوه‌های مدیریت دانش در بخش دولتی و عمومی و نقش رهبران آنها به‌خوبی در مقاله‌ای با همین نام از آجی کی و چپن سن عنوان شده است.

- سیستم منابع انسانی (ساختار سازمانی، شرح وظایف، انگیزش و غیره): نظم در امور، صفوف با بنیان مرصوص، شایسته‌سالاری بر مبنای دانش و تقوا محوری، تنظیم شرح وظایف بر مبنای اهلیت، اطاعت از اولی الامر، عدالت و ظرفیت افراد، وجود سیستم موثر پاداش اخروی و دنیوی.

- گروه‌های دانش: رهبری، مراجع، فضلا، استادان، کارشناسان تخصصی و خبرگان علوم و فنون، طلاب، دانشجویان و اعضای مراکز تحقیقاتی، دانش‌آموزان، اولیا و مربیان.

- شبکه سازمان غیر رسمی: تربیت دانش دینی خانواده‌ها، مراسم، اعیاد، عزاداریها، سخنرانیها، هیئتهای مذهبی و ... احترام شیعه به فرهنگ ملی قومی.

- سازمان رسمی: حوزه های علمیه، وزارتخانه‌ها، نهادها، ادارات، زیرمجموعه‌های مرتبط با دانش، صدا و سیما و ...

- محیط: جامعه و ترکیب قومی، سنی، مذهبی؛ وضعیت اقتصادی، وضعیت سیاسی و به طور کلی مقتضیات زمان و مکان.

- ابزارهای مدیریت دانش: فناوریهای آموزشی قرآن؛ مرور بعد از عمل (محاسبه و مراقبه)؛ شبکه مشاوره (وشاورهم فی الامر)؛ مراجعه به خبرگان (راسخون در علم)؛ مراکز دانش فعال (آنچه نیاز است)؛ نقشه‌های دانش نظیر نقشه‌های منابع دانش (مثل لزوم مراجعه به فقهای جامع الشرایط

برای احکام فروع و متکلمین برای اصول دین)؛ روش استاد و شاگردی (مانند همراهی و متابعت موسی و خضر)؛ ممیزی دانش (فرقان)؛ یادگیری از طریق گفت و شنود (سیستم مباحثه در حوزه‌ها)؛ ...

- فناوری اطلاعات: ایجاد رابطه و تعمیق روابط مدارس علمیه شیعی داخل و خارج کشور با یکدیگر؛ در دسترس قرار دادن منابع علمی و دینی در سطح جهانی؛ به‌روز سازی اطلاع‌رسانی؛ سرعت‌بخشی در ارتباطات؛ در دسترس بودن شخصیت‌های حقیقی و حقوقی؛ توسعه کمی مخاطبان از داخل به دوردست‌ترین مناطق خارج کشور؛ روابط حوزه دین با سایر حوزه‌های جامعه در داخل و خارج کشور؛ اطلاع‌رسانی مراکز آموزشی و علمی به مخاطبان خاص خود؛ روابط استادان، علماء، صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان حوزه دین با یکدیگر؛ روابط مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و روابط متقابل مراکز فرهنگی و تبلیغی.

- بهبود مستمر: خداوند درجات دانشمندان را به تدریج بالا می‌برد و فوق هر دانشمند دانشمندتری هست. حرکت در مسیر کمال و خلافت الهی به گونه‌ای که مومن دو روزش با هم یکسان نباشد.

با شکل‌گیری شالوده و زیرساخت‌های لازم برای مدیریت دانش اسلامی - شیعی، فرآیندهای آن با مرحله شناخت شامل این موارد آغاز می‌شود:

- شناخت محیط: فردی، محلی، ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی...

- شناخت سازمان: جامعه دانشی اسلام...

- الگوبرداری: از صدر اسلام، رسالت نبی اکرم، مکتب صادقین، جوامع و سازمانهای موفق...

- ممیزی دانش: علوم واجب عینی، علوم واجب کفایی، علوم مستحب و مباح، فراگیری نیکوترین و کاربردیترین دانش.

مرحله دوم: برنامه‌ریزی، که دربردارنده عناوین زیر است:

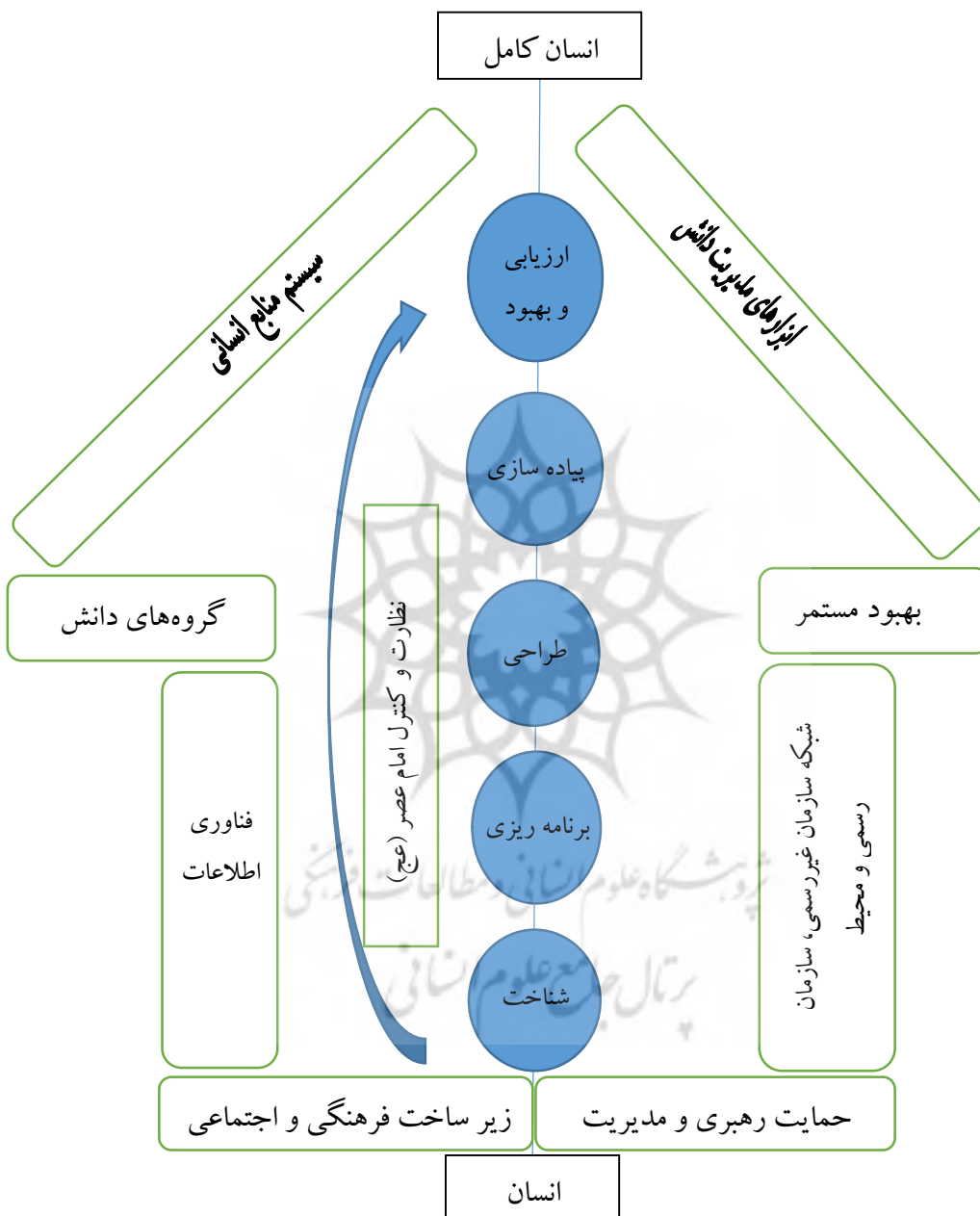
- راهبرد (استراتژی): راهبرد فرآیند‌گرای مدیریت دانش با گرایش زنجیره ارزش‌های الهی -

اخلاقی و ارتباط با زمینه‌بندگی حق تعالی یا ...

- خط‌مشی: آموزش و انتقال دانش با روش‌های موثر سنتی و مدرن و به‌کارگیری علوم برای

ایجاد جامعه پویا و موفق...

- ماموریت: دفاع از ارزشهای دینی و مقابله با هجمه منکران...
- اهداف: دستیابی به انسان کامل و مدینه فاضله، زمینه‌سازی حکومت جهانی امام عصر (عج).
- برنامه مدیریت دانش: متناسب با اهداف.
- مرحله سوم: طراحی، به شرح ذیل است:
- سیستمهای مدیریت دانش: به کارگیری فناوری و ابزارهای مدرن فناوری اطلاعات به همراه نیروی کاری با لحاظ جنبه های انسانی و اصول متعالی دین.
- منابع دانش: قرآن، سنت، اجماع، عقل و علوم جدید.
- فرآیندهای دانش: شناسایی، تحصیل، توسعه، اشتراک گذاری، بهره‌برداری، حفاظت از دانش.
- ساختار و وظایف: متناسب با خط‌مشی و ماموریت بر اساس شایسته‌سالاری تخصصی و تقوایی.
- استانداردها: باید برگزیده و یا تعریف شوند...
- مرحله چهارم: اجرا، بدین ترتیب است:
- مدیریت تغییر: بر اساس مقتضیات زمان و مکان، واقعیات عینی و مصلحت.
- مدیریت خطر پذیری: آسیب‌شناسی و آشنایی با تهدیدات دینی، قومی، مذهبی و...
- آموزش و فرهنگ‌سازی و ایجاد انگیزه: براساس روش‌شناسی قرآن، سنت و احادیث معصومین، تکریم دانش و دانشمندان، نقش اساسی علم در موفقیت دنیوی و اخروی؛ سیستم مدیریت دانش و فرآیندهای دانش متناسب با این مرحله.
- مرحله پنجم: ارزیابی و بهبود، شامل موارد ذیل است:
- شاخصها: علم صائب، عمل صالح، معرفت و عبادت، اخلاص، نیت، طریقه اکتساب دانش، تقوا...
- معیارها و عملکرد: واقع‌گرایی و حق‌مداری، عدل، انعطاف، محاسبه نفس و مراقبت اعمال.
- نظارت و کنترل: علم الهی نامحدود است و تا آنجا که خدا (منبع دانش) اجازه رسیدن به آن را به انسان بدهد، دانش بشری قابل توسعه است. این گسترش به شکل حلزونی و در همه جهات مقدور است اما آنچه آن را در مسیر صحیح یعنی راه رسیدن به مقام انسان کامل، بندگی خالق و خلافت الهی نگاه می‌دارد، نظارت و کنترلی دائمی است که توسط پیامبران و پس از آن ائمه اطهار (ع) و در عصر ما امام زمان (عج) و اولی الامر ایشان اعمال می‌گردد.



شکل ۶ - الگوی ترکیبی مدیریت دانش اسلامی - شیعی

جمع‌بندی

۱ - مشخص شد جامعه اسلامی، دانش‌بنیان است. دانش و لوازمش از آغاز دین با آن همراه بوده، لازمه تحقق هدف غایی از آفرینش انسان و افزار او در این مسیر است. زمانی که انسان قادر به مدیریت دانش برای خودش بر مبنای ساختاری بشود که مدیریت دانش اسلامی بنا می‌گذارد، قادر به درک هستی خواهد بود. در این راستا و در دیدگاه کلان، حضور مدیر دانشی ارشد اسلامی برای رهبری، نظارت و کنترل با واسطه و بی‌واسطه دانش ضروری است تا از مسیر صحیح و درست خود خارج نگردد.

۲ - بر اساس مفاهیم و الگوهای عرضه شده کارکردی مدیریت دانش و تبیین آنها با عنایت به فقه شیعی بین مفاهیم مربوط به مدیریت دانش و مفاهیم اسلامی ارتباط وجود دارد و می‌توان بر اساس مدیریت دانش الگویی برای مدیریت دانش اسلامی عرضه کرد. اساس الگوی کارکردی مدیریت دانش اسلامی بر تربیت انسان کامل (جانشین خدا) بر مبنای دانشی با منبع الهی و قدسی در درون جامعه است؛ همان گونه که هدف از مدیریت دانش تربیت مدیر موفق در سازمانها است. مدیریت دانش اسلامی در پی توانمند ساختن انسان به حل بهینه مسائل بین خود، خدا و جامعه‌اش در رویارویی با مقتضیات زمان و مکان و بهره‌وری و کارایی در زندگی بر مبنای فقه متکامل و امامت امام زمان (عج)، ارزشهای انسانی و استمرار در پندگی است.

۳ - می‌توان توانمندی لازم را در سازمانهای تبلیغی دینی و جوامع علمی بر اساس مفاهیم مدیریت دانش و به‌کارگیری الگوهای مدیریت دانش بویژه الگوی ترکیبی مدیریت دانش اسلامی در رویارویی با ابزارها و شیوه‌هایی به دست آورد که در جهان امروز در صدد مقابله با اسلام هستند و تمامی دانشها بویژه دین مبین اسلام را توسعه و گسترش داد.

۴ - قرآن و روش‌شناسی آن به عنوان مهمترین مرجع دانش اسلامی می‌تواند منبع قابل توجهی برای استنتاج و الگوپردازی به منظور مدیریت دانش باشد؛ لذا با تدبر در آیات و تفاسیر مختلف می‌توان بویژه با استفاده از قصه‌ها و حکایات مندرج در آن و نیز مراحل، چگونگی و شأن نزول آیات به روشهایی برای مدیریت دانش دست یافت. در این راستا رسم نقشه دانش مدیریت دانش اسلامی می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

۵ - سنت و سیره رسول خدا و روش ایشان در ابلاغ وحی به انسانها، چگونگی دعوت ایشان و

مراحل سه گانه دعوت، تصمیم گیریهای تاریخی ایشان نظیر غزوه خندق، مدیریت هجرت مسلمانان به حبشه و روش عرضه دانش اسلامی به نجاشی و مواردی دیگر نظیر آزادسازی اسیران بدر به شرط سوادآموزی به ده نفر از مسلمانان و چگونگی ایجاد تغییر در جامعه جاهلی ریشه دار آن روز و ... می تواند دستمایه تحقیقاتی برای یک نمونه مدیریت دانش موفق باشد.

۶ - مکتب ائمه اطهار و معصومین از صدیقه مطهره تا ولی عصر (ع) نمونه مکتب دانشی است که تبلور آن در حوزه علمی صادقین (ع) مشاهده می شود. نظام دانشی که ایشان پایه گذارش بود و تا کنون در اجتهاد و مرجعیت شیعه مشاهده می شود، می تواند از دیدگاه مدیریت دانش محل مطالعه و بحث قرار گیرد.

۷ - کاربرد مدیریت دانش به منظور رویارویی با مسائل جدید و شناخت مقتضیات زمان و مکان در بحث اجتهاد و نیز چگونگی اداره مدارس و نهادهای اسلامی که در کار آموزش، تبلیغ و دعوت اسلامی هستند و چگونگی به کارگیری روشها و امکانات به روز و مدرن و مقابله با هجمه روزافزون اطلاعات و رسانه ها قابل بحث و تحقیق خواهد بود.

منابع فارسی

قرآن کریم.

- احمد پور داریانی، محمود (۱۳۸۱). کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها. تهران: مؤلف.
- اخوان، پیمان؛ باقری، روح الله (۱۳۸۹). مدیریت دانش، از ایده تا عمل. تهران: انتشارات آتی نگر.
- اخوان، پیمان؛ جودی، الهام (۱۳۹۱). گامهای عملیاتی مدیریت دانش: نقشه های دانش. تهران: انتشارات آتی نگر.
- ترک زاده، جعفر (۱۳۸۸). روش پژوهش فرآیند چرخه ای تحلیل، روشی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از داده های کیفی پر بعد در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی. فصلنامه علمی - پژوهشی روش شناسی علوم انسانی. س ۱۵. زمستان. ش ۶۱.
- جعفری، مصطفی؛ اخوان، پیمان؛ اختری، مریم (۱۳۹۰). مدیریت دانش نگاهی جامع به ابزارها و تکنیکها. تهران: رسا.
- جعفری، مصطفی؛ اخوان، پیمان؛ مرتضایی، اشرف (۱۳۸۸). مقایسه مدل های مدیریت دانش و یک ارائه ترکیبی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س ۸. بهار و تابستان. ش ۲۱.
- جوادی آملی، عبدالله. مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی اسرا، <http://javadi.esra.ir/Pages/Index.aspx>، پرسش و پاسخ. بخش فلسفه. سؤال ۷.
- حجتی، محمدباقر (۱۳۵۸). پژوهشی در تاریخ قرآن کریم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حسینی ارموی محدث، جلال الدین (۱۳۶۶). شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.

رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۷۵). درآمدی بر تفسیر علمی قرآن. قم: چاپ اسوه.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۰). سیمای علم و حکمت در قرآن و حدیث. قم: دارالحدیث.

مشکینی، علی (۱۳۸۶). تکامل از دیدگاه قرآن. قم: انتشارات الهادی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). تفسیر نمونه. ج ۳۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

منابع عربی

المحمدی الری شهری، محمد (۱۳۷۰). میزان الحکمة. ج ۶. باب العلم. مطبعة مركز النشر-مكتب الاعلام الاسلامی، قم
محمد عطا مدنی، (۲۰۱۰) استخدام أساليب تكنولوجيا التعليم فی التربية القرآنية و أثر ذلك علی تعلم الفئات
المستهدفة. مجلة جامعة دمشق. المجلد ۲۶. العدد الثالث.

نعیم إبراهيم الظاهر (۲۰۰۹). إدارة المعرفة. دار عالم الكتب الحديث. اربد الاردن. ص / ۷۸ / ۱.

منابع انگلیسی

- Ajay K. Jain, Hans Jeppe Jeppensen, (2013). **Knowledge Management practices in a Public Sector Organization: The Role of Leaders' Cognitive styles**, Pre-print paper in Emerald, Journal of Knowledge Management, Vol.17
- Al-Attas, Syed Muhammad Al-Naquib, (1980). **the Concept of Education in Islam: A Framework for an Islamic Philosophy of Education**, Kuala Lumpur: Muslim Youth Movement of Malaysia (ABIM).
- Ikujiro Nonaka and Hirotaka Takeuchi (1995) **The Knowledge-Creating Company. How Japanese Companies Create the Dynamics of Innovation** Oxford University Press, New York
- McAdam, R. and McCreedy, S. (1999), **A critical review of knowledge management models**, The Learning Organization, Vol.6, No.3, pp.91-100
- MuhamadulBakir ,Hj. Yaakub (2011). **Islamic Conceptualisation of Knowledge Management**, American Journal of Economics and Business Administration, 3(2):363-369.

